



لزوم تبادل محبت میان دوستان/ نزدیکان ما برای محبت سزاوارترند

کار نیک ما نباید تنها برای افراد دور باشد و نزدیکانمان از ما ناامید باشند. باید نخست به دوستان و نزدیکان پرداخت ولی خویشان به نیکی سزاوارترند.

خبرگزاری مهر- کار نیک ما نباید تنها برای افراد دور باشد و نزدیکانمان از ما ناامید باشند. باید نخست به دوستان و نزدیکان پرداخت ولی خویشان به نیکی سزاوارترند.

یک نکته مهم در جهان وجود دارد اینکه یک درخت نیز نمی تواند تنها بگیرد و هیچ ندهد و اگر درختی تنها عناصر زمین و هوا و نور خورشید را مصرف کند و میوه ای ندهد به چوبی تبدیل خواهد شد که خوراک آتش زیر دیگ می شود. اگر چنین معادله ای در مورد درخت صحیح باشد در مورد انسان و پیوند او با دیگران صحیح تر خواهد بود. کسی که به تو می دهد و از تو می گیرد دوستی تو با او باقی می ماند در حالی که اگر کسی پیوسته از تو بگیرد هیچ گاه به تو ندهد ناگزیر پیوند دوستی میان شما خواهد گسست.

اگر چه ممکن است کسانی که تنها می گیرند چند روزی موفق باشند ولی سرانجام روزی زندگی هر آنچه را که گرفته اند از آنها خواهد گرفت.

زندگی بر حق استوار است و حق یک انسان آن است که وی دارای وظایف و حقوقی است و اگر وظایف خود را به انجام نرساند حقوق خود او نیز ساقط خواهد شد، چنانچه عکس این سخن نیز صحیح است به همین ترتیب ما نیز اگر در رفتار خود با مردم درخواستی داریم باید در برابر هر چیز معادل آن را به دیگران بدهیم اگر دوستانمان هدیه ای به ما داد ما نیز باید هدیه ای نظیر آن به او بدهیم. اگر بخوئیم برای پیوند دوستی میان مردم قانونی وضع کنیم چنین می گوئیم: هر محبتی پاسخی دارد که در عمق، برابر و در سمت با محبت او متفاوت است. کسی که تو را دوست دارد تو نیز باید او را دوست بداری و کسی که به تو درود می فرستد تو نیز باید درودی نظیر آن یا بهتر به او بفرستی.

حضرت علی (ع) می فرماید: کسی که حق او را ضایع کنی برادر تو نیست. دوست نزدیک تو همان کسی است که استحقاق دارد محبت او را با محبت و سخن نیک را با سخن نیک و هدیه را با هدیه و موضع گیری خوب او را با موضع گیری خوب پاسخ دهی و در غیر این صورت کسی که حقوقش را ضایع کنی برادر تو نیست. کار نیک ما نباید تنها برای افراد دور باشد و نزدیکانمان از ما نا امید باشند. باید نخست به دوستان و نزدیکان پرداخت ولی خویشان به نیکی سزاوارترند.

کمترین مسئولیتی که باید در برابر دوستانمان انجام دهیم این است که محبت و بخشش آنها را جبران کنیم و الا دوستی گرفتن و ندادن چگونه دوستی ای خواهد بود؟ و کسی که قدرت دهش نداشته باشد به هیچ روی شایسته گرفتن نیست، منظور از قانون مبادله همین نکته است. امام صادق (ع) می فرماید: در مصاحبت کسی که تو را همچون خود نمی داند خیری نیست و نیز می فرماید: کسی که محبت و اندیشه اش را برای تو گرد آورد تو نیز از او فرمان ببر. فرمانبری پاسخ محبت و اخلاص است و نیز می فرماید: چه زشت است کسی که برادرش حق او را بشناسد ولی او حق برادرش را نشناسد.

بیشتر مردم از نبودن این صفت در میان خود شکایت دارند و می بینیم که این موضوع بر زبان دوستان جاری می گردد که در ضمن آن یکدیگر را سرزنش می کنند و هر یک از آنها هنگامی که با دوست خود دیدار می کنند به او می گویند: من بارها در خانه ات به ملاقات تو آمده ام چرا تو با رو گردانی و گرفتگی با من دیدار می کنی. و امثال این گونه جملات عتاب آمیز و سرزنش ها و نکوهش هایی که میان دوستان مبادله می شود و صفای دوستی را بر آنان مکدر می سازد و حلاوت برادری را از میان می برد. آنچه موجب برانگیختن این نگرانی ها می شود آن است که در میان بیشتر دوستان برادری و همیاری به طور یکسان انجام نمی شود و دوستی و محبت بر اساس عدالت میان آنها تبادل نمی یابد و حقوق به طور متقابل و برابر میان آنها برقرار نیست؛ از این رو این گونه احساسات که در سینه ها به جوش می آید ظهور می یابد و نفس را مکدر و فکر را مشغول می سازد. لذا پیامبر اکرم (ص) وائمه اهل بیت (ع) به ضرورت مقابله و برابری در محبت هشدار داده اند تا معنای دوستی و برادری به کمال برسد.

خداوند به آدم (ع) وحی فرمود: من همه سخنها را در چهار کلمه جمع کرده ام، عرض کرد: پروردگارا آنها کدامند؟ فرمود: یکی از آنها برای من، یکی برای تو، یکی میان من و تو و یکی میان تو و مردم است.

عرض کرد: ای پروردگار من آنها را بیان فرما تا بدانم، فرمود: آن که برای من است آن است که مرا پرستش کنی و در هیچ چیزی به من شرک نوری و آن که برای توسل این است که توبه پاداشی که در برابر اعمال به تو می دهم از هر چیز دیگری که بدان مشغولی نیازمندی. اما آن که میان من و تو باشد دعاست و آن بر توسل و بر من اجابت است و آنچه میان تو و مردم است این است که برای مردم خشنود باشی به آنچه برای خود خشنود می شوی و برای آنها ناخوش بداری آنچه را برای خود ناخوش می داری.